

Noor Asharaf

Assistant Professor (Guest Faculty)

Dept. of Persian, MMHAPU, PATNA

Email: ashrafjnu@gmail.com

E-Content

Sem-1, Paper code: 102

Persian (M A)

Topic: Persian Literature during Mughal Period (Akbar the Great)

امپراتوری مغول هند یا گورکانیان هندوستان یک امپراتوری پارسی مآب و پارسی زبان با سنت ترکی مغولی و مسلمان با فرهنگی ایرانی در شبه قاره هند بود. راه نفوذ اسلام را به سرزمین شبه قاره هند پادشاهان خراسان بزرگ هموار کردند. نواحی شمال آن در قرن دهم میلادی به تصرف سلطان محمود غزنوی (حک: ۹۹۹ تا ۱۰۳۰م) درآمد و در اوایل قرن سیزدهم میلادی سلطان محمد غوری (حک: ۱۲۰۲ تا ۱۲۰۶م) بر آن جا تاخت و سپاهیان در آن نواحی جایگیر شدند. از آن به بعد، رشته پیوند هند با ایرانیان روز به روز استوارتر شد و سلسله های ایرانی در گوشه و کنار شبه قاره هند به فرمانروایی رسیدند. هند قرن ها تحت تأثیر فرهنگ و زبان ایرانی بود.

موسس سلطنت مغول در هند ظهیرالدین محمد بابر (حک: ۱۵۲۶ تا ۱۵۳۰م)، یکی از سرداران خاندان تیمور بود. قبل از این، او حاکم کابل بود. در جنگ پانی پت ابراهیم لودهی (حک: ۱۵۱۷ تا ۱۵۲۶م)، حاکم امپراتوری دهلی را در سال ۱۵۲۶ شکست داد و به جای او حکمران هند شد و این امپراتوری در خانواده او جاری بود. اکبرشاه یا ابوالفتح جلال الدین محمد اکبر (زاده ۱۵ اکتبر ۱۵۴۲ در سمنده؛ درگذشته ۱۷ یا ۲۷ اکتبر ۱۶۰۵ در آگرا). سومین پادشاه از سلسله گورکانیان یا امپراتوری مغولی هند است که در هندوستان با نام مغول اعظم یا اکبر کبیر نامیده می شود، فرزند همایون و پدر جهانگیرشاه بود که بین سال های ۱۵۵۶ و ۱۶۰۵ فرمانروایی کرد. او پادشاهی خیرخواه، شجاع و خردمند بود و از وی در کنار آشوکا یکی از تأثیرگذارترین پادشاهان در تاریخ هند و بزرگترین پادشاه آن سرزمین یاد کرده اند.

اکبرشاه زبان فارسی را زبان رسمی و درباری هند کرد و آن چنان ایرانی نوازی و مسلمان نوازی و هنرمند نوازی به راه انداخت که بسیاری از هنرمندان و شاعران و خطاطان و نقاشان و معماران و دانشمندان ایرانی، خود را به دربارش رساندند. دوره حکومت وی را «دوران طلایی ادب فارسی در هند» نامیده اند؛ آن روزگاری بود که بسیاری از کتاب های مهم هند از زبان سانسکریت به فارسی ترجمه شد و بر غنای ادبیات فارسی افزود. سنت گماشتن دانشمندان به نگارش کتاب هایی به زبان رسمی دربارش، فارسی و یا ترجمه آثار عربی، ترکی، لاتین و به ویژه سنسکریت به فارسی در میان گورکانیان را او پایه افکند. آثار سنسکریتی مانند مهابهارات، راماین، راج ترنگینی، سنگهاسن بتیسی، پنجاتنترا، نل دمیتتی، کتهاسرت ساگر در زمان او به فارسی برگردانیده شد.

اکبر نه تنها شعر و ادب فارسی را ترویج می کرد، بلکه خود در آن رشته درس و هنر می آموخت و گاه شعر هم می سرود. او به تشویق گویندگان و نویسندگان فارسی می پرداخت، چنانکه دربارش را دربار ثانی ایران دانسته اند. اوج فعالیت های ادبی دربار گورکانیان هند، در دوران حکومت سه پادشاه مقتدر این سلسله، یعنی اکبر، جهانگیر و شاه جهان بود. بزرگ ترین شاعران طرز تازه، در دربار آنان و صوبه دارانشان به سخنوری و شاعری مشغول بودند و مهم ترین محافل ادبی روزگار خود را پدید می آوردند. در دستگاه تیموریان هند، تعداد زیادی شاعر بود که امور مربوط به آنان تحت مدیریت ملک الشعراء دربار تمشیت می یافت. بسیاری از این شاعران، در دربار، سمت اجرایی داشتند و به کارهایی نظیر استیفا، وکالت، کتاب داری و غیره مشغول بودند. منصب ملک الشعراء نخستین بار توسط اکبرشاه بزرگ، در دربار گورکانیان برقرار شد و نخستین ملک الشعراء در دربار آنان، غزالی مشهدی (۹۲۰-۹۸۰ ه. ق) بود و پس از مرگ وی، این منصب به فیضی فیاضی دکن آبادی محول شد. بنابر فهرستی که ابوالفضل علامی در کتاب «آیین اکبری» از شعری دربار اکبر آورده است، تعداد ۵۶ شاعر در محفل ادبی اکبر بوده اند که معروف ترین آنان: عرفی شیرازی، نظیری نیشابوری، شکیبی اصفهانی، غزالی و وقوعی نیشابوری هستند. ملا عبدالباقی نهاوندی در آن عهد می نویسد که ایران مکتب خانه هندوستان است، در آنجا کسب کمال می کنند تا در هندوستان به کار برند.